





دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع

بررسی فقهی، حقوقی شرط

عام المجاعه (سال قحطی) و اضطرار در سرقت

نگارش

پرديس شریعتی

استاد راهنما

دکتر محمد اسحاقی

استاد مشاور

دکتر محمد مظهر قراملکی

دی ماه 1390



بسم خدا

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گواهی تقاضای پایان نامه کارشناسی ارشد

با عنایت به آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، جلسه تقاضای پایان نامه کارشناسی ارشد خاتم پردیس شریعی به شماره دانشجویی ۴۶۰۵۸۸۰۰۸ در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۰ در دفتر گروه با عنوان: تبیین فقهی و حقوقی فحطی و اضطرار در سمرات با حضور هیات داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه تقاضای و نحوه پاسخ به سوالات، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

پایان نامه مورد قبول می باشد / پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد / پایان نامه مورد قبول نمی باشد

تعداد واحد پایان نامه: / نمره نهایی پایان نامه: ۱۸/۶ (تجربه و نیم) به عدد به حروف

ترجمه پایان نامه: عالی

ردم ف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	آقای دکتر محمد اسحاقی	استادیار	تهران	
۲	استاد مشاور: استاد مشاور دوم (حسب مورد):	آقای دکتر علی مظفر قراملکی	دانشیار	تهران	
۳	استاد داور	آقای دکتر حمید انصاری	استادیار	تهران	
۴	استاد داور	آقای دکتر عابدین مومنی	استادیار	تهران	
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده:	آقای دکتر عابدین مومنی	استادیار	تهران	

: این برگه پس از تکمیل توسط هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

تاییدیه صحت و اصالت نتایج

اینجانب پردیس شریعتی به شماره دانشجویی 420588008 دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد تایید می نمایم که کلیه ی نتایج این پایان نامه حاصل کار اینجانب و بدون هرگونه دخل و تصرف است و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران را با ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده ام. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی....) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می نمایم. در ضمن مسئولیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح اعم از اداری و قضایی به عهده ی ایتنجانب خواهد بود و دانشگاه هیچگونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

نام و نام خانوادگی: پردیس شریعتی

امضا و تاریخ: 90/10/20

پیشکش به محضر مبارک

امام جعفر صادق (علیه السلام)

که تلاطم دریای فقه شیعی مدیون حضور منور ایشان است.

تقدیم به :

پدر مهربانم

ومادر عزیزم

که هر چه دارم ثمره زحمات و دعای روز و شب ایشان است.

« من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق »

امام علی (ع) : «هرکس به من کلمه ای بیاموزد مرا عبد و بنده خود ساخته است».

در این حال بر خود لازم می دانم که مراتب تشکر و قدردانی را از اساتید محترم و گرامی آقایان دکتر اسحاقی و دکتر مظهر قراملکی ، که در به مقصد رسیدن این طرح با نصایح گران قدر خویش

اینجانب را یاری فرموده اند ؛ به جا بیاورم.

هم چنین سعادت‌مندی ایشان و تمامی اساتید بزرگواری که در تمام سالهای تحصیل چون راهنما و یآوری در موفقیت من کوشیده اند را از خداوند منان خواستارم .

و من الله التوفیق

چکیده :

سرقت از جرائمی است که، در صورت وجود شرایط مقرر در فقه و قانون ، به سرقت حدی تبدیل می شود. اضطرار و وقوع سرقت در سال قحطی ، از جمله شرایطی می باشند که موجب معافیت فرد از مجازات قطع ید می شوند.

در این طرح بعد از بیان کلیاتی چون سابقه تاریخی جرم سرقت در اسلام و ایران، واژه شناسی و مفهوم اصطلاحی کلمه سرقت ، سرقت حدی و تعزیری در فقه و حقوق موضوعه مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه بحث دو مانع اجرای حد یعنی "اضطرار" و "وقوع سرقت در سال قحطی" یا همان "عام المجاعه" مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده است ضمن پاسخ به شبهات حاصله ، مفهوم قحطی و اضطرار و مصادیق آن، شرایط حصول و ثبوت اضطرار در فقه و حقوق بررسی و به تاثیر آن در مجازاتها و بالاخص سرقت حدی و نیز ارتباط آن با قحطی پرداخته شود.

باتوجه به بررسی های صورت پذیرفته ؛ " عام المجاعه" یا سال قحطی عبارت است از سالی که مردم بر اثر گرسنگی در فشار هستند. حال چه این گرسنگی ناشی از نایابی مواد خوراکی باشد یا گرانی نا متعارف آن. چنان چه فرد در این سال دست به سرقت مواد خوراکی بزند؛ دست وی قطع نخواهد شد.

"اضطرار" نیز به معنای اوضاع و احوالی است که فرد برای رهایی خود از آن شرایط دست به جرمی نظیر سرقت می زند. بنابراین اضطرار از جمله عوامل رافع مسئولیت کیفری است؛ به این معنا که اگر فرد سارق در شرایط اضطراری و بدون اینکه خودش در ایجاد این حالت دست داشته باشد تنها برای دفع خطری که تهدیدش می نماید مرتکب سرقت شود؛ مجازات نخواهد شد و مسئولیت جزایی وی رفع می گردد؛ اگرچه مسئولیت مدنی وی همچون پابرجاست . همچنین میان "قحطی" و " اضطرار" ارتباط عموم و خصوص مطلق وجود دارد .

کلید واژه: سرقت ، حد، قحطی ، اضطرار ، جرم، مجازات

فهرست موضوعات

صفحه	عنوان
	بخش اول : کلیات
1.....	مقدمه
1.....	1: تعریف موضوع
2.....	2: سوالات تحقیق
2.....	3: فرضیات تحقیق
3.....	4: نوع، روش و ابزار تحقیق
3.....	5: پیشینه ی تحقیق
5.....	6: ضرورت و اهمیت تحقیق
5.....	7: هدف اجرای تحقیق
5.....	8: ساختار تحقیق

فصل اول : سابقه ی تاریخی جرم و مجازات سرقت

7.....	مبحث اول : سابقه سرقت در فقه جزایی
11.....	مبحث دوم: سرقت در نظام حقوقی ایران

فصل دوم: تعریف جرم سرقت

14.....	مبحث اول: تعریف لغوی سرقت
17.....	مبحث دوم: تعریف اصطلاحی سرقت

- 17..... گفتار اول: تعریف فقهی سرقت.....
- 17..... 1-1 آیات.....
- 17..... 2-1 روایات.....
- 18..... 3-1 کلام فقها.....
- 20..... گفتار دوم: تعریف حقوقی - قانونی سرقت.....
- 22..... 1-2 رکن قانونی.....
- 23..... 2-2 رکن مادی.....
- 24..... 3-2 رکن معنوی (روانی).....
- 27..... مبحث سوم: معنای حد و تعزیر.....
- 27..... گفتار اول: تعریف حد و تعزیر.....
- 27..... 1-1 حد.....
- 28..... 2-1 تعزیر.....
- 29..... گفتار دوم: تفاوت حد و تعزیر.....

فصل سوم: انواع سرقت

- 32..... مبحث اول: سرقت تعزیری.....
- 33..... گفتار اول: تعریف سرقت تعزیری.....
- 33..... اول) رکن مادی.....
- 34..... دوم) رکن معنوی.....

ب

- 34..... سوم) رکن قانونی.....

- 35.....گفتار دوم: انواع سرقت تعزیری.....
- 35..... اول (سرقت تعزیری ساده.....
- 36.....دوم) سرقت های تعزیری مشدد.....
- 40.....سوم) اختلاس.....
- 43چهارم) استلاب و طراری.....
- 46.....مبحث دوم: سرقت حدی و کیفیت اجرای حد
- 47.....گفتار اول: سرقت حدی و شرایط ثبوت آن.....
- 47.....1-1 سرقت حدی در فقه.....
- 47.....الف : آیات.....
- 48.....ب: روایات.....
- 50.....ج: سرقت حدی در کلام فقها.....
- 58.....1-2 سرقت حدی در قانون و حقوق
- 62.....گفتار دوم: کیفیت اجرای حد
- 61..... اول : کلام فقها.....
- 65..... دوم : اجرای حد در قانون و حقوق ایران.....

بخش دوم: سرقت در سال قحطی (عام المجاعه)

فصل اول: معنا و مفهوم قحطی

- 68.....مبحث اول: تعریف لغوی قحطی یا عام المجاعه

ج

- 71.....مبحث دوم : قحطی در فقه و حقوق.....

- 71 گفتار اول: قحطی در آیات و روایات.
- 76 گفتار دوم: کلام فقها و حقوقدانان.
- 76 1-2 فقهای امامیه.
- 77 2-2 فقهای اهل سنت.
- 78 3-2 قحطی در قانون و حقوق موضوع.

فصل دوم : مصادیق قحطی و گستره آن

- 80 مبحث اول : مصادیق قحطی.
- 81 گفتار اول: تاثیر گرانی در بروز قحطی.
- 82 1-1 گرانی یا نایاب شدن غیر ماکولات.
- 83 2-1 مفهوم عام و سال.
- 84 مبحث دوم: ماکول یا غیر ماکول بودن مسروق.
- 84 گفتار اول: کلام فقهای امامیه و اهل سنت.
- 89 گفتار دوم: قانون و حقوق موضوعه.
- 90 3-1 بالقوه یا بالفعل بودن ماکولات.
- 91 گفتار سوم: قحطی در سرقت تعزیری.

بخش سوم : اضطرار در سرقت

فصل اول : مفهوم و معنای اضطرار

- 93 مبحث اول: تعریف لغوی اضطرار.

- 98 مبحث دوم: اضطرار در اصطلاح.

98.....	گفتار اول: اضطرار در کلام فقها.....
103.....	گفتار دوم : تعریف حقوقی _ قانونی اضطرار.....
108.....	مبحث سوم : اضطرار در ادله اربعه و قواعد فقهی.....
108.....	گفتار اول: آیات.....
114.....	گفتار دوم : اضطرار در روایات.....
116.....	1-2. معنای کلمه رفع و دفع در حدیث رفع.....
116.....	2-2. دلالت حدیث.....
118.....	گفتار سوم : اجماع و عقل.....
119.....	گفتار چهارم : قواعد فقهی.....
119.....	1-4. قاعده اضطرار یا قاعده الضرورات تبیح المحظورات.....
119.....	2-4. قاعده عسرو حرج.....
121.....	3-4. قاعده درأ.....
123.....	4-4. قاعده لا ضرر.....
125.....	مبحث چهارم: تفاوت اضطرار با مفاهیم مشابه.....
126.....	اول (اضطرار و اجبار.....
126.....	دوم) اضطرار و اکراه.....
126.....	سوم) اضطرار و دفاع مشروع.....

فصل دوم: شرایط ثبوت اضطرار

مبحث اول : شرایط ثبوت اضطرار از دید فقهای امامیه و اهل سنت.....129

مبحث دوم: شرایط ثبوت اضطرار در قانون و حقوق.....132

مبحث سوم : محدوده عمل اضطراری136

فصل سوم: ماهیت اضطرار و تاثیر آن

مبحث اول :ماهیت اضطرار139

گفتار اول: عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری.....140

1-1: عوامل موجهه جرم.....140

2-1:عوامل رافع مسئولیت کیفری.....142

گفتار دوم : ماهیت اضطرار در کلام فقها.....143

گفتار سوم: ماهیت اضطرار نزد حقوقدانان.....146

مبحث سوم: نقش اضطرار در جرائم.....149

گفتار اول: تاثیر اضطرار در همه ی مجازاتها.....149

گفتار دوم: مصادیق اضطرار.....151

گفتار سوم: تاثیر اضطرار در سرقت.....154

مبحث سوم: ارتباط میان اضطرار و قحطی156

نتیجه گیری و جمع بندی159

پیشنهاد.....164

فهرست منابع166

بخش اول

کلیات

(بررسی تاریخی، لغوی و اصطلاحی سرقت)

مقدمه

1: تعریف موضوع

یکی از قدیمی ترین جرایم علیه اموال که شاید از همان ابتدای پیدایش مفهوم مالکیت در میان جوامع بشری مبتلابه بوده و معمولاً مجازات های سختی برای مرتکبین آن در ادیان و قبایل و جوامع مختلف پیش بینی شده است ، سرقت می باشد. این جرم به دلیل سهل تر بودن ارتکاب آن و محسوس بودن منفعت حاصل از آن بخش اعظمی از جرایم ارتكابی در کشورهای مختلف را تشکیل می دهد.

در اسلام نیز سرقت، و مجازات آن دارای شرایط ویژه ای است . جرم سرقت دارای دو جنبه ی عمومی و خصوصی می باشد. از سویی هم حق الله است یعنی در زمره جرائم مشمول حد قرار می گیرد ؛ و از سویی دیگر از آنجا که اموال افراد مورد تعرض قرار می گیرند ؛ در زمره حق الناس نیز می باشد. سرقت در فقه امامیه و همچنین در میان فقهای اهل سنت دارای شرایط خاصی می باشد که در صورت فقدان این شرایط عمل ارتكابی یا اصولاً قابل مجازات نبوده یا اینکه به عنوان سرقت شناخته نشده و به عناوین دیگری چون استلاب ، اختلاس و امثال آن نامیده می شود.

در هر صورت اگر شرایط مورد نظر در ربایش جمع گردد مثل اینکه فرد بالغ و مختار باشد ، مضطر نباشد ، هتک حرز کند ، مال ربوده شده به حدنصاب برسد و سایر شرایط دیگر ؛ مجازات آن بسیار سخت بوده و به قطع ید در مرحله اول و در صورت تکرار قطع پا ، حبس ابد و در چهارمین بار به قتل مجرم منجر خواهد شد.

در قانون و حقوق ایران نیز سرقت را در صورتی که دارای شرایط مورد نظر فقه باشد ؛ سرقت حدی دانسته و مجازات آن را همان اجرای حد قطع می داند در حالیکه برخلاف فقهای اسلام اگر عمل مورد نظر شرایط لازم برای اجرای حد را نداشته باشد ؛ همچنان آن را سرقت فرض می کند ؛ با این تفاوت که جرم واقع شده را سرقت تعزیری می داند.

در میان تمامی شرایط محقق کننده سرقت حدی، چند شرط از اهمیت ویژه ای برخوردار

بوده و درعین حال کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است از جمله "اضطرار" و "فحطی" (عام المجاعه).

این دو عنوان موانعی هستند که در صورت تحقق، یا به طور کل مجازات را منتفی می نمایند یا اینکه حداقل رافع مسئولیت کیفری می باشند. بنابراین جا دارد که بیشتر مورد بررسی و کنکاش واقع شود و هرگونه شک و شبهه ای درباره آن دو، چه در فقه و چه در حقوق موضوعه برطرف گردد.

2: سوالات تحقیق

اول: تعریف سرقت و شرایط آن در فقه و حقوق چیست؟

دوم: قحطی یا عام المجاعه چیست و چه تفاوتی میان مفهوم قحطی در فقه و قانون وجود دارد؟

سوم: آیا تنها سرقت مواد خوراکی در سال قحطی مانع مجازات است یا ربودن هر مالی؟

چهارم: اضطرار در فقه و قانون به چه معناست و چه شرایطی دارد؟

پنجم: تفاوت میان اضطرار، اکراه و اجبار چه می باشد؟

ششم: چه ارتباطی میان اضطرار و قحطی وجود دارد؟

3: فرضیات تحقیق

اول: سرقت در فقه عبارت است از ربودن مال دیگری با وجود شانزده قید که در این صورت مشمول اجرای حد می گردد و در غیر این صورت از تحت عنوان سرقت بیرون رفته و با عناوین دیگری از آن یاد می شود. اما سرقت در قانون و حقوق دو نوع می باشد: الف) سرقت حدی ب) سرقت تعزیری. ماده ی 197 قانون مجازات سرقت را ربایش مخفیانه ی مال غیر می داند و مرز بین سرقت تعزیری و حدی را تنها با بیان شرایط فقهی سرقت مشخص می کند. ماده ی 197 قانون سرقت را اینگونه معنا می کند: «ربودن مال دیگری به طور پنهانی». بیان قید پنهانی برای جدا کردن سرقت حدی از تعزیریست اما علاوه بر این قید شانزده شرط دیگر را نیز براساس نظر فقها اضافه نموده است. یکی از شروط ذکر شده عدم وقوع سرقت در سال قحطی می باشد.

دوم) قحطی را می توان نایابی و خشکسالی معنا نمود و قحط سالی عبارت است از سال بسیار خشک و بی باران. مجاعه نیز مشتق از جوع به معنای گرسنگی می باشد و عام المجاعه را سالی می دانند که در آن گرسنگی شایع باشد. قانونگذار از قحطی معنایی ارائه نکرده است و به نظر می رسد که آن را به عرف واگذار کرده باشد. حقوقدانان نیز به تبع فقها قحطی را فقدان ارزاق عمومی دانسته اند و به نظر فقها رجوع نموده اند.

سوم) شرط قحطی اطلاق دارد و سایر اموال غیر خوراکی را نیز در برمی گیرد. چرا که احتمال دارد سارق مال را بدزد و آن را تبدیل به خوراکی کند .

چهارم) اضطرار عبارت است از حالتی که طی آن فرد تحت شرایط بیرونی یا درونی برای حفظ مصلحت بیشتر وارد به انجام جرم کمتر می گردد.

پنجم) مهم ترین تفاوتی که میان اضطرار و دو مورد دیگر وجود دارد آن است که در اکراه و اجبار فرد اختیاری از خود ندارد و در حکم یک وسیله است. در اضطرار مسئولیت مدنی نیز رفع نخواهد شد .

ششم) میان این دو عموم و خصوص مطلق وجود دارد .

4: نوع، روش و ابزار تحقیق

این طرح، از نوع اسنادی و کتابخانه ای است و روش به کار برده شده در آن ، روش توصیفی – تحلیلی می باشد. برای به انجام رساندن این تحقیق به منابع کتابخانه ای مراجعه شد. هم چنین پایان نامه ها و مقالات نیز مورد بررسی قرار گرفتند . مطالب مورد نظر ابتدا مورد مطالعه قرار گرفتند و از نکات مهم آنها فیش برداری صورت پذیرفت . سپس یادداشت های جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و در تحقیق مورد نظر استفاده شدند .

5: پیشینه تحقیق

الف: به طور کلی در مورد قحطی هیچ گونه مطلب و پیشینه ای یافت نشد که مستقلاً به طرح این موضوع بپردازد و آنچه مورد استفاده قرار گرفت ، مقالات و موضوعاتی بودند که به سرقت حدی می پرداختند.

کندقلیچ رضوانی کارشناس ارشد در رشته فقه شافعی دانشکده الهیات دانشگاه تهران ، در پایان نامه خود با موضوع **بررسی سرقت مستوجب حد در مذاهب اسلامی** بیان می دارد که: «سرت از جمله جرایمی است که از زمان شکل گیری جوامع انسانی وجود داشته است و در جوامع مختلف برای آن مجازاتهایی در نظر گرفته شده است. در دین مبین اسلام نیز برای جلوگیری از ارتکاب چنین جرائمی مجازات قطع دست یا پا در نظر گرفته شده است که در صورت تحقق شرایط آن اجرا می شود . همچنین راههایی نیز وجود دارد که موجب سقوط حد است .» وی در تحقیق خود به نظرات فقهای مختلف در مذاهب اربعه به صورت

تطبیقی اشاره کرده و نظر ایشان را بیان می کند . محقق در خصوص قحطی به صورت خلاصه کلیاتی نیز ارائه داده است.

حسن میرحسینی در رساله کارشناسی ارشد خود در رشته حقوق جزای دانشگاه تهران ، با موضوع **بررسی فقهی و قانونی شرایط تحقق سرقت مستوجب حد** به بررسی شرایط پرداخته است اما شرط سال قحطی یا عام المجاعه را به نحو مختصر بیان نموده و تنها به بیان این مطلب بسنده کرده است که در زمان قحطی و خشکسالی حد درباره سارق اجرا نمی گردد.

ب : اما در زمینه اضطرار موارد اندکی یافت گردید که گذرا به آنها اشاره می کنیم .

محرم علی مهدی زاده در رساله کارشناسی ارشد خود در رشته حقوق جزای دانشگاه تهران با عنوان **بررسی منابع و مبانی اضطرار در حقوق کیفری ایران** می گوید : «اضطرار در مسائل حقوق کیفری حائز اهمیت بیشتری است چرا که این مسائل ارتباط مستقیم با جان و مال و حیثیت و آزادی مردم دارد . اکثر فقها این موضوع را در مباحث راجع به اطعمه و اشربه و سرقت مطرح نموده اند و قوانین موضوعه نیز کم و بیش متعرض آن گردیده اند . با توجه به اقوال فقها و حقوقدانان هرگاه جرم تحت شرایط اضطراری واقع شود، جامعه باید خسارت وارد ه را جبران نماید . »

ایشان معتقدند که اضطرار ناشی از ضعف نظامات اجتماعی است و طبق یک اصل حقوقی پذیرفته شده اشخاص نباید ضعف و نقص سیستم اجتماعی را جبران کنند . بنابراین وی اضطرار را برخلاف حقوقدانان عامل موجهه جرم دانسته و فرد را از کلیه مسئولیت ها مبرا می داند.

رساله دیگری که مورد استفاده قرار گرفت ؛ متعلق به **ابراهیم عبدی پور** است که با عنوان **مفهوم و آثار اضطرار در حقوق مدنی** در دانشکده حقوق دانشگاه تهران در مقطع ارشد، مورد دفاع قرار گرفته بود. ایشان در رساله خود به بررسی اضطرار در حقوق خصوصی و مدنی پرداخته اند و آن را در مباحث حقوقی مطرح نموده اند و کمتر وارد حوزه حقوق کیفری شده اند. وی اظهار می دارد که در قوانین موضوعه و فقه، اراده و اجزا آن یعنی قصد و رضا از ارکان اصلی معاملات و عقود دیگر و ایقاعات می باشد ، اما زندگی اجتماعی و ضرورتها انسان را وادار به انجام اعمال حقوقی می نماید. حال اگر فشار حاصله به حدی باشد که فرد بدون قصد و تحت اجبار دیگران دست به اعمال حقوقی بزند این اعمال و عقود در حقوق معتبر نخواهند بود.

مقدمه

1: تعریف موضوع

یکی از قدیمی ترین جرایم علیه اموال که شاید از همان ابتدای پیدایش مفهوم مالکیت در میان جوامع بشری مبتلابه بوده و معمولاً مجازات های سختی برای مرتکبین آن در ادیان و قبایل و جوامع مختلف پیش بینی شده است ، سرقت می باشد. این جرم به دلیل سهل تر بودن ارتکاب آن و محسوس بودن منفعت حاصل از آن بخش اعظمی از جرایم ارتكابی در کشورهای مختلف را تشکیل می دهد.

در اسلام نیز سرقت، و مجازات آن دارای شرایط ویژه ای است . جرم سرقت دارای دو جنبه ی عمومی و خصوصی می باشد. از سویی هم حق الله است یعنی در زمره جرائم مشمول حد قرار می گیرد ؛ و از سویی دیگر از آنجا که اموال افراد مورد تعرض قرار می گیرند ؛ در زمره حق الناس نیز می باشد. سرقت در فقه امامیه و همچنین در میان فقهای اهل سنت دارای شرایط خاصی می باشد که در صورت فقدان این شرایط عمل ارتكابی یا اصولاً قابل مجازات نبوده یا اینکه به عنوان سرقت شناخته نشده و به عناوین دیگری چون استلاب ، اختلاس و امثال آن نامیده می شود.

در هر صورت اگر شرایط مورد نظر در ربایش جمع گردد مثل اینکه فرد بالغ و مختار باشد ، مضطر نباشد ، هتک حرز کند ، مال ربوده شده به حدنصاب برسد و سایر شرایط دیگر ؛ مجازات آن بسیار سخت بوده و به قطع ید در مرحله اول و در صورت تکرار قطع پا ، حبس ابد و در چهارمین بار به قتل مجرم منجر خواهد شد.

در قانون و حقوق ایران نیز سرقت را در صورتی که دارای شرایط مورد نظر فقه باشد ؛ سرقت حدی دانسته و مجازات آن را همان اجرای حد قطع می داند در حالیکه برخلاف فقهای اسلام اگر عمل مورد نظر شرایط لازم برای اجرای حد را نداشته باشد ؛ همچنان آن را سرقت فرض می کند ؛ با این تفاوت که جرم واقع شده را سرقت تعزیری می داند.

در میان تمامی شرایط محقق کننده سرقت حدی، چند شرط از اهمیت ویژه ای برخوردار

بوده و در عین حال کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است از جمله "اضطرار" و "قحطی" (عام المجاعه).

این دو عنوان موانعی هستند که در صورت تحقق، یا به طور کل مجازات را منتفی می نمایند یا اینکه حداقل رافع مسئولیت کیفری می باشند. بنابراین جا دارد که بیشتر مورد بررسی و کنکاش واقع شود و هرگونه شک و شبهه ای درباره آن دو، چه در فقه و چه در حقوق موضوعه برطرف گردد.

2: سوالات تحقیق

اول: تعریف سرقت و شرایط آن در فقه و حقوق چیست؟

دوم: قحطی یا عام المجاعه چیست و چه تفاوتی میان مفهوم قحطی در فقه و قانون وجود دارد؟

سوم: آیا تنها سرقت مواد خوراکی در سال قحطی مانع مجازات است یا ربودن هرمالی؟

چهارم: اضطرار در فقه و قانون به چه معناست و چه شرایطی دارد؟

پنجم: تفاوت میان اضطرار، اکراه و اجبار چه می باشد؟

ششم: چه ارتباطی میان اضطرار و قحطی وجود دارد؟

3: فرضیات تحقیق

اول: سرقت در فقه عبارت است از ربودن مال دیگری با وجود شانزده قید که در این صورت مشمول اجرای حد می گردد و در غیر این صورت از تحت عنوان سرقت بیرون رفته و با عناوین دیگری از آن یاد می شود. اما سرقت در قانون و حقوق دو نوع می باشد: الف) سرقت حدی ب) سرقت تعزیری . ماده ی 197 قانون مجازات سرقت را ربایش مخفیانه ی مال غیر می داند و مرز بین سرقت تعزیری و حدی را تنها با بیان شرایط فقهی سرقت مشخص می کند. ماده ی 197 قانون سرقت را اینگونه معنا می کند: «ربودن مال دیگری به طور پنهانی». بیان قید پنهانی برای جدا کردن سرقت حدی از تعزیریست اما علاوه بر این قید شانزده شرط دیگر را نیز براساس نظر فقها اضافه نموده است. یکی از شروط ذکر شده عدم وقوع سرقت در سال قحطی می باشد.

دوم) قحطی را می توان نایابی و خشکسالی معنا نمود و قحط سالی عبارت است از سال بسیار خشک و بی باران. مجاعه نیز مشتق از جوع به معنای گرسنگی می باشد و عام المجاعه را سالی می دانند که در آن گرسنگی شایع باشد. قانونگذار از قحطی معنایی ارائه نکرده است و به نظر می رسد که آن را به